

## خرده نکته‌هایی در باب اخلاق تجارت (the ethics of business)

۱. تجارت، نحوه‌ای کار (work) است و در بادی امر (prima facie)

اینگونه به نظر می‌رسد که هدف از آن صرفاً تامین معاش مادی برای گذران زندگی است. لازمه‌ی چنین نوع نگاهی به کار، این است که اگر فرضاً بتوان بدون کار کردن یا بدون کار کردن متناسب با در آمد، در آمدی کسب کرد، از آنجا که هدف کار صرفاً کسب در آمد است، این کار رواست. در حالی که شهود اخلاقی (moral intuition) چنین لازمه‌ای را روا نمی‌داند. بنا بر این

بر اساس قاعده‌ی اللزوم باطل فالملزوم مثله، آن تعریف از کار، اخلاقاً درست نیست.

۲. بر اساس نگاه وجودی (existential) به کار، و مثلاً بر اساس تعریف میگل د. اونامونو، الاهی‌دان، رمان‌نویس و فیلسوف معاصر اسپانیایی،

«کار، عملی‌ترین تسلاهی اندوه به دنیا آمدن است» بر این اساس حتی اگر کسی فرضاً مشکلی برای گذران وجه مادی زندگی نیز نداشت، کار امری لازم و روا بود زیرا کار کردن نحوه‌ای مواجهه با هستی است.

۳. از تامل بر روی خود کار که بگذریم و مشخصاً وارد کار تجاری که بشویم، می‌توان گفت که اخلاق در تجارت صرفاً موقعی معنا می‌یابد که ما

رویکرد خود را به اخلاق مشخص کرده باشیم. مثلاً بر اساس اخلاق پیامدگرا (consequentialist) عملی اخلاقی است که پیامدهای خوبی داشته باشد، اینکه این پیامد خوب باید برای چه کسی باشد (خود فرد یا جامعه) بستگی به آرای مختلفی دارد که در میان پیامدگرایان اخلاقی وجود دارد. نیز بر اساس اخلاق وظیفه‌گرا (deontologist) (که نا پیامدگراست) عملی خوب است که مطابق وظیفه باشد و بر اساس این تلقی از اخلاق، ما مامور به وظیفه‌ایم و نه نتیجه.

۴. با این حال توجه به این نکته بایسته است که عملی واحد هم می‌تواند از سوی وظیفه‌گرایان، اخلاقی یا غیر اخلاقی شمرده شود و هم از سوی پیامدگرایان. مثلاً خودکشی می‌تواند از سوی هر دو گروه غیر اخلاقی شمرده شود.

۵. حرص و طمع و تلاش بی‌وقفه برای افزودن سرمایه از طریق گسترش کار تجاری، از اصول قطعی و دائمی اخلاق کار تجاری است (این اصل را زین پس «اصل اخلاق کار تجاری» می‌نامیم). از سوی دیگر، در اخلاق سنتی همه‌ی ادیان و مذاهب، بر پرهیز از حرص و طمع سخن رفته است و گنج حقیقی، قناعت دانسته شده است. بر این اساس، تعارضی میان اخلاق

سنتی و اصل اخلاق کار تجاری ایجاد می‌شود. آیا این تعارض رفع شدنی است؟ توصیه‌ی اخلاق سنتی، توصیه‌ای ایده‌آل و اصل اخلاق کار تجاری، اصلی واقعی است.

۶. شاید یکی از راه‌حل‌ها این باشد که با به رسمیت شناختن اصل اخلاق کار تجاری، کوشش شود که از فجایعی که ممکن است این اصل بیافریند جلوگیری شود. به تعبیر دیگر تلاش در اخلاق تجارت نه مخالفت از منظری ایده‌آل با اصل اخلاق کار تجاری باشد بلکه صرفاً مخالفت با مواردی از اعمال آن اصل باشد که به سود جویی محض بدون در نظر گرفتن مصالح اجتماع می‌انجامد.

۷. اصل اخلاق کار تجاری، از آنجا که به سرمایه‌اندوزی بی پایان دعوت می‌کند، اصلی مستعد ویرانی مصالح جامعه است. زیرا بنا بر این اصل، اگر سرمایه با تولید کالایی تامین شود که برای جامعه مضر است اما ضرر آن به نحوی است که سرمایه‌دار قانوناً با مشکلی مواجه نمی‌شود، تولید آن کار رواست. راه مناسب مقابله با این‌گونه سودجویی‌های مضر، دعوت به ترک کلی اصل اخلاق کار تجاری نیست. در فقه اسلامی، احتمالاً ملهم از برخی احادیث، مستحب است که اگر کاسب قوت یک روز خود را به دست

آورد مغازه‌ی خود را تعطیل کند (برای نمونه نگا: شرح لمعه، باب مکاسب)، چنین توصیه‌ای به گواه تاریخ تجارت اسلامی هیچ‌گاه حتی از سوی متدین‌ترین کاسبان عملی نشد و همین، گواه تاریخی خوبی است بر این مطلب که نفی اصل اخلاق کار تجاری میسر نیست. راه مناسب، اگر چنین راهی وجود داشته باشد، می‌تواند این باشد که محققان اخلاق تجارت بکوشند تا این نکته را موجه نمایند که در دراز مدت سود تاجر به این است که کالای او دارای کیفیت بوده و مفید به حال اجتماع باشد. به تعبیر دیگر بکوشند تا رعایت مصالح اجتماع را به همان سودگرایی تاجر گره بزنند.

### – اخلاق در فعالیتهای بازرگانی و اقتصادی (Business Ethics)

در دنیای تجارت و بازرگانی حسب شرایط موجود رقابت وجود دارد و هر شرکت سعی دارد نسبت به رقبای خود وضعیت بهتری را احراز نماید. درگیرودار فعالیتهای تولیدی و بازرگانی تصمیمات مختلفی اتخاذ میشود و اقدامات گوناگونی صورت می‌گیرد ولی فعالان در این عرصه اهم از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان همدیگر را تحت نظر دارند و کارها و فعالیتهای خارج از قاعده و اصول شناخته‌شده را مذموم و غیرقابل قبول میدانند. در هر جامعه بر اساس شرایط همان جامعه دیدگاههای حاکم و استانداردهایی در خصوص رفتار درست و نادرست وجود دارد که از آن به

اخلاق تعبیر میشود. همین معنی اخلاق به عنوان اخلاق بازرگانی و تجارت  
(Business Ethics) در

فعالیت های بازرگانی و تولیدی حاکم است .

مفهوم دیگری که در فعالیتهای تولیدی و بازرگانی وجود دارد شیاری و

تقلب (Fraud) است. شیاری به معنی زیر پا گذاشتن قوانین و یا رعایت نکردن

اصول و قوانین جاری است. در شیاری ملموس، عینی و قابل استفاده به ابزار

مادی است مثل استفاده از موارد دامی در تولید بیسکویت مورد استفاده مردم

و یا تعیین تاریخ تولید یک کالا در تاریخی در آینده که در آن تاریخ کالا در

بازار مورد استفاده است . ولی در کار غیراخلاقی نرمها و استانداردهای متداول

و مورد قبول عامه رعایت نمیشود و از آنها انحراف ایجاد می گردد. خلافهای

اخلاقی اغلب بصورت غیرملموس و ذهنی مورد تجزیه و تحلیل قرار

می گیرند و استناد به ابزار مادی در آنها میسر نیست . در همه شرایط کارهای

غیر اخلاقی، غیرقانونی نیستند ولی بهرحال غیراخلاقی تلقی میشوند. فرض

کنید مدیر عامل شرکت A در کمیته اعضویت دارد که نمی تواند حقوق

و مزایای مدیر عامل شرکت B را افزایش دهد و مدیر عامل شرکت B در

کمیته ای عضویت دارد که قادر است حقوق و مزایای شرکت A را زیاد کند.

اگر این دو مدیر عامل بصورت متقابل پیشنهاد افزایش حقوق و مزایای یکدیگر

را کمیته‌های مربوطه بدهند و این پیشنهادها عملی گردد. این اقدامات غیراخلاقی بشمار خواهد آمد در حالیکه غیرقانونی محسوب نمیشود.

## ۸- اثر مالیات بر روی تصمیمات سرمایه‌گذاری

زمانیکه فرد یا مؤسسه‌ای در بازار مالی فعال است و به خرید و فروش اوراق بهادار می‌پردازد ممکن است سود ببرد و یا ضرر کند سود بردن به معنی کسب سرمایه (capital gain) و ضرر دیدن به معنی از دست رفتن سرمایه (capital loss) است. اگر فردی یک سهم از شرکتی به قیمت 100

دلار خریداری و سپس آنرا به مبلغ 150 دلار بفروشد در اینصورت 50 دلار سرمایه بدست آورده که لازم است مالیات این 50 دلار را مطابق قوانین بپردازد. اگر همین سهم صد دلاری به مبلغ 80 دلار فروخته شود سرمایه‌ای معادل با 20 دلار از دست از دست رفته است.

اگر سهامدار یک شرکت پس از مدتی به عنوان سود سهم یا بهره (dividend or interest) مبلغی دریافت کند. لازم است بابت این درآمد مالیات بر درآمد (income tax) پرداخت کند در صورتیکه مالیات بر درآمد سهامداران زیاد باشد، سرمایه‌گذاران بر روی اوراق بهادار تمایل کمتری به خرید سهم از خودش نشان خواهند داد و چنانچه مالیات بر سرمایه کسب شده (capital

(gain یا مالیات ناشی از فروش سهم به قیمت بالاتر، کمتر باشد بطور طبیعی سهامداران علاقمند خواهند بود که به فروش سهام اقدام کنند و در صورتیکه مالیات بر سهم سود در مقابل مالیات بر کسب سرمایه کمتر باشد، سرمایه‌گذاری بر روی سهام شرکتها گسترش پیدا خواهد کرد و تمایل کمتری به فروش سهام در بین سرمایه‌گذاران دیده خواهد شد.

بهر حال نوع مالیات‌بندی بر روی انواع درآمد یا کسب سود می‌تواند در رفتار سرمایه‌گذاران مؤثر باشد بعضی از متخصصین اعتقاد دارند که کاهش مالیات بر کسب سرمایه (capital gain) سبب افزایش تولید ملی، رشد سرمایه‌گذاری و افزایش قیمت سهام میشود و در عین حال این کار سبب میشود که هزینه سرمایه برای شرکتها کاهش پیدا کند. نوع مالیات‌بندی می‌تواند در ترجیح شرکتها برای انتشار اوراق قرضه یا سهام مؤثر باشد و یا در خصوص خرید یا اجاره ماشین آلات مورد نیاز شرکت تعیین‌کننده باشد.

## ۹- مالیات‌بندی درآمدهای شخصی و شرکتهای (Individual and corporate income taxes)

از دیدگاه سرمایه‌گذاران و فعالان در بازار مالی، نوع مالیات‌بندی برآمدهای ناشی از سرمایه‌گذاری در سهام، اوراق قرضه و یا سایر اوراق بهادار اثرگذار است. گاهی مالیات بر درآمد فردی به اعتبار گروههای مختلف درآمدی تغییر

پیدا می‌کند و حتی فاصله درصد مالیات بین دو طبقه از درآمدهای متفاوت، کم یا زیاد میشود. در صورتیکه مالیات بندی بر روی درآمدهای اشخاص نسبت به درآمدهای آنها از سرمایه‌گذاری بر روی اوراق بهادار سنگین‌تر باشد افراد علاقمند خواهند بود که بر روی اوراق بهادار سرمایه‌گذاری کنند تا مالیات کمتری بپردازند و در صورتیکه عکس این حالت از نظر قوانین مالیاتی حاکم باشد، تمایل بره سرمایه‌گذاری بر روی اوراق بهادار کاهش پیدا خواهد کرد. از این گذشته نرخ مالیات نهایی (Marginal tax rate) نیز از دیدگاه اشخاص، سرمایه‌گذاران و شرکتها اهمیت دارد. نرخ مالیات نهایی، نرخ مالیاتی است که به یک مقدار متجاوز از حدمعینی تعلق می‌گیرد. برای آشنایی با این مفهوم و مفهوم متوسط مالیات شرکت (average corporate tax) به ذکر مثالی می‌پردازیم. در عین حال می‌توان برای یافتن پاسخ در خصوص بعضی از موضوعات مالی و مالیاتی، قوانین و مقررات و نیز سایتهای مالی و دریافت مشاوره به آدرس [Hhp://www.tax.org](http://www.tax.org) مراجعه نمود.

مثال: برای درآمدهای معادل با 100000 دلار برای شرکتها 22.25 درصد مالیات تعلق می‌گیرد. شرکتی در طبقه درآمدی 100000-335000 دلار قرار دارد و برای مازاد بر 100000 دلار درآمد باید 39 درصد مالیات بپردازد. تحت این ضوابط مالیاتی متوسط مالیات شرکت چقدر خواهد بود؟



حل مثال : شرکت مورد بحث برای درآمد 100000 دلار باید 22.25 درصد

مالیات پرداخت کند پس حل مالیات پرداختی برای 100000 دلار درآمد اولیه

$$100000 \times 22.25 = 22250 \text{ برابر است با دلار}$$

برای مبلغ ۲۳۵۰۰۰ دلار باید ۳۹ درصد مالیات پرداخت شود که این مبلغ

بصورت زیر محاسبه می گردد:

$$235000 \times 91650 = 39. \text{ دلار}$$

حال متوسط مالیات پرداختی شرکت را محاسبه می نمائیم :

بنابراین مالیات متوسط شرکت از تقسیم کل مالیات پرداختی بر کل درآمد

بدست آمده، حاصل میشود. در صورتیکه نرخ مالیات بر درآمد اولیه و یا نرخ

مالیات نهایی تغییر کند، متوسط نرخ مالیات شرکت هم تغییر می یابد. شرکتها

با توجه به نرخ مالیات متوسط می توانند نوع فعالیت یا محل فعالیت خود را

عوض کنند همانگونه که نرخ مالیات بر سهم سود یا سرمایه بدست آمده هم

روی رفتار فرد سرمایه گذار اثرگذار است. اگر سرمایه گذار متوجه شود که

نرخ مالیات بر انواع سرمایه گذاری در محلی عموماً کمتر است ممکن است

محل اقامت خود را تغییر دهد این تغییرات در حد شدید خود اگر اتفاق بیفتد

ممکن است فردی به اقامت در جای معینی تشویق کند ولی شرکت مورد علاقه او برای خرید سهام یا اوراق قرضه در شهر یا کشور دیگری قرار داشته باشد.

### سرمایه‌های خارج از شرکت

در اکثر کشورها، شرکتهای گوناگون در ادامه حیات کاری خود تنها به سرمایه سهامداران و یا سودهای توزیه نشده اکتفا نمی‌کنند بلکه از سرمایه‌های خارج از شرکت نیز به اشکال متفاوت بهره‌مند میشوند. شرکتهای مختلف به منظور استفاده از سرمایه‌های خارج از شرکت ممکن است از انواع

مؤسسات مالی به صورتهای متفاوت وام بگیرند و یا از طریق انتشار اوراق قرضه به منابع پولی خارج از شرکت دسترسی داشته باشند. پولها و سرمایه‌های خارج از شرکت که به مدت یک تا پنج سال و بعضاً بیش از پنج سال در اختیار شرکت قرار می‌گیرند ماهیت بدهی بلندمدت پیدا می‌کنند و افراد یا مؤسسات حقوقی مختلف که برای شرکت سرمایه بلندمدت تأمین می‌کنند در

حکم طلبکاران شرکت هستند و جزو افراد و مؤسسات طلبکار از شرکت محسوب میشود.

### ۱- اوراق قرضه (Bonds)

اوراق قرضه ممکن است از طرف شرکتهای سهامی و یا از طرف مؤسسات دولتی منتشر شوند. اوراق قرضه در واقع اسناد بدهی بلندمدت هستند. بر روی اوراق قرضه ارزش اسمی (normal value) آنها ثبت میشود. بر روی اوراق قرضه ممکن است تاریخ بازپرداخت آنها قید شود و یا براساس توافق فی مابین، زمان پرداخت آنها به دارنده اوراق قرضه اعلام گردد. معمولاً براساس نوشته روی ورقه قرضه یا بر اساس توافق جداگانه ای پرداخت ارزش (یاسود) ورقه قرضه بصورت هر شش ماه یکبار یا هر سال یکبار تعهد می گردد. درصد بهره ورقه قرضه بر روی آن قید میشود و پرداخت بهره ورقه قرضه هر سه ماه یکبار و یا هر شش ماه یکبار و یا هر سال یکبار صورت می پذیرد. بسیاری از اوراق قرضه دارای وعده پنج سال و یا بیشتر هستند. وعده بازپرداخت ورقه قرضه از یک کشور به کشور دیگر با توجه به شرایط اقتصادی کشورها متفاوت است. حتی در درون یک کشور و تحت شرایط اقتصادی مشابه می تواند از صنعتی به صنعت دیگر فرق داشته باشد. در امریکا اوراق قرضه بلندمدت از طرف شرکتهای راه آهن با وعده نودونه ساله هم منتشر شده است و در مقابل در بعضی موارد در امریکا اوراق قرضه ای منتشر شده است که تاریخ معینی در مورد بازپرداخت اصل ورقه قرضه پیش بینی نشده ولی پرداخت مرتب بهره سالیانه آن از طرف مؤسسه

انتشاردهنده تعهد شده است. در اغلب موارد وعده بازپرداخت اوراق قرضه مؤسسات صنعتی محدود و کم است ولی وعده بازپرداخت اوراق قرضه مؤسسات خدماتی و دولتی طولانی و زیاد است

### ۱-۱- ویژگیهای اوراق قرضه

اوراق قرضه و گیهایی دارند که آنها را از سرمایه سهامداران و سایر انواع بدهیها متفاوت میسازد این ویژگیها عبارتند از:

۱- تفاوت اول در خصوص وعده اوراق قرضه است. اوراق قرضه باید در

تاریخ معینی بازپرداخت شوند ولی برای سرمایه سهامداران چنین الزامی وجود ندارد.

۲- اوراق قرضه بر روی درآمدهای مؤسسه انتشاردهنده آنها حق تقدم دارند . صاحبان اوراق قرضه نسبت به درآمدهای شرکت یا مؤسسه مربوطه در

مقابل سهامداران اولویت دارند زیرا از درآمدهای حاصله ابتدا باید حقوق طلبکاران یعنی حقوق صاحبان اوراق قرضه پرداخت شود و چنانچه

از درآمدهای حاصله مبلغی باقی بماند در آن صورت برای صاحبان سهام سود سهام پرداخت می گردد. بهره بدهیها به صورت هزینه های ثابت از

پیش تعیین شده است. در پایان یک دوره فعالیت، بدون توجه به سطح

درآمدهای شرکت یا مؤسسه انتشاردهنده اوراق قرضه، بهره اوراق قرضه باید پرداخت شود. این پرداخت قانوناً الزام دارد به این دلیل خرید اوراق قرضه هم از سوی افرادی صورت میگیرد که طالب درآمدهای ثابت و معین هستند و هم از سوی شرکتهای یا مؤسساتی مانند بانکها، شرکتهای بیمه و مؤسسات مالی انجام میشود که در فعالیتهای خود نیازمند درآمدهای قطعی و مشخص میباشند. صاحبان اوراق قرضه باید در زمانهای معین بهره اوراق قرضه خود را دریافت نمایند در حالیکه صاحبان سهام تنها در صورت وجود سود قابل قبول و یا وجود منابع مالی قابل توزیع میتوانند حق سهم دریافت کنند. از سوی دیگر دریافتیهای صاحبان اوراق قرضه یک شرکت معین در چهارچوب سود اوراق قرضه محصور است و اگر شرکت سودآوری زیادی هم داشته باشد فقط به پرداخت بهره اوراق قرضه اقدام می نماید. در صورتیکه با افزایش مقدار سود شرکت مربوطه، سهامداران میتوانند سود بیشتری را دریافت کنند. به عبارت دیگر در حالیکه سهم سود صاحبان سهام شرکت انتشار دهنده اوراق قرضه متغیر است، درآمد بهره صاحبان اوراق قرضه همان شرکت ثابت می باشد ولی پرداخت بهره به اوراق قرضه الزام دارد در صورتیکه برای صاحبان سهام پرداخت سود سهم الزامی نیست.

۳- صاحبان اوراق قرضه بر روی دارئیهای شرکت تقدم دارند در صورتیکه یک شرکت ورشکست شود ابتدا لازم است از طریق دارئیهای آن شرکت حقوق صاحبان اوراق قرضه از طریق فروش دارئیهای شرکت تأمین می‌گردد و اگر مقداری از دارئیها موجود باشد آنگاه به ایفا حقوق صاحبان سهام اقدام میشود در اینصورت صاحب سهم بیشتر حقوق بیشتری دارد و صاحب سهم کمتر دریافتی کمتری خود دهد داشت.

۴- صاحبان اوراق قرضه می‌توانند تحت شرایط خاص نظرات خود را در سطح مدیریت شرکت اعمال کنند گرچه طلبکاران و یا صاحبان اوراق قرضه بطور مستقیم در اداره یک شرکت دخالت ندارند ولی ممکن است صاحبان اوراق قرضه در قرار خرید اوراق قرضه

و یا با نظر مجمع عمومی بتوانند بعضی محدودیتها را بر مدیریت شرکت اعمال کنند این محدودیتها می‌تواند بشکل تعیین حد و مرز در مورد گرفتن وام از منابع برون شرکتی، نسبت مقدار وام به کل سرمایه، حقوق مدیران و غیره باشد. علاوه بر این طلبکاران و صاحبان اوراق قرضه می‌توانند در مقابل مدیریتی که حقوق قانونی آنها را ایفا نمی‌کند به مراجع قانونی شکایت کنند.

بطور خلاصه می‌توان به این نکته اشاره نمود که بین صاحبان اوراق قرضه و

صاحبان سهام از نظر ریسک، درآمد و اعمال کنترل بر شرکت تفاوت‌هایی

وجود دارد.